

بررسی ارتباط ماه و زن از منظر اساطیری در ویس و رامین

۴ مهین مسرت

۴ ایوب کوشان

۴ معصومه نظری

چکیده

موضوعات اساطیری یکی از اساسی ترین و اوکین موضوعات مطرح شده در ادبیات هستند و در این شکی نیست که ادبیات و اسطوره دو اصل جدانشدنی از یکدیگر می باشند و هر اسطوره، کوشش ساده و ابتدایی تخیل برای این همانی جهان بشری است که اغلب داستانی درباره یک ایزد یا ایزدبانو می باشد. یکی از این ایزدبانوان، ماه است که در اساطیر به صورت الهه سین، سلین، آرتمیس، دیانا و اناهیتا جلوه گر می شود. این پژوهش برآن است تا اسطوره زن و ماه را که یکی از باورهای بنیادین بشری می باشد، در منظومه ویس و رامین بررسی کند. در این پژوهش هدف، استخراج و تبیین اسطوره ماه و زن و پاسخ دادن به این سؤال است که دلایل همانندی زن و ماه کدامند؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و درتحلیل نمونه های منظومه، ارتباط آن ها با اساطیر مورد بحث قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که ماه به عنوان الهه آسمانی، مظهر زیبایی و فره بخشی به موجودات، خصوصاً زنان، به خاطر مناسباتی که با ماه دارند، می باشد. همچنین این باور، حجم زیادی از تشبیهات منظومه ویس و رامین را به خود اختصاص داده است.

کلید واژه ها: اساطیر، ماه، زیبایی، زن، ویس و رامین.

۱-مقدمه

در باور انسان بدوی، جمادات، گیاهان، حیوانات و اجرام آسمانی (ماه، خورشید و دیگرستارگان)

۱-دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲-استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز(نویسنده مسئول): Email: kooshan@iaut.ac.ir

۳-استادیاررشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دارای روح و روان بودند و ایزدانی در ورای آن‌ها نهفته بود. او خدایان آسمانی را به صورت ستارگان مجسم می‌کرد. خورشید و ماه، همچون پدیده‌های دیگر در اساطیر و افسانه‌های جهان جایگاه ویژه‌ای دارند که کیفیت آن‌ها در هر دوره، با چگونگی زندگی زندگانی و معیشت آدمی مربوط می‌شود. انسان بدوی در زمان کامل بودن ماه و نورانی شدن آسمان شب، برای شکار، احساس آرامش بیشتری دارد و ماه را به عنوان الهه‌ای که روزی او را می‌رساند، می‌پرستد. و موقعی که از معیشت مبتنی بر شکار به کشاورزی روی می‌آورد، آب و خاک و نور برای او ارزشمند می‌شود. بدین گونه است که ماه، قبل از خورشید مورد توجه او بوده است. بشر نخستین از همان آغاز، ایزدان را به صورت مردان و زنانی تصور می‌کرده است. بر همین اساس، خورشید و ماه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. خورشید نور خود را مستقیم می‌تاباند، حال این که ماه نور خورشید را می‌تاباند. بنابراین، یکی اصل فعال و دیگری اصل منفعل است. بنابراین، خورشید مظهر نیروی مذکر و ماه، مظهر نیروی مؤنث است و به عنوان ایزدبانوی مادر شناخته می‌شود. ایزدبانوان همیشه به ماه مربوط می‌شوند. «ماه، همیشه برانگیزاننده حس جمال پرستی و زیبایی دوستی است، از لحاظ احساساتی، ستاره خاص زنان نجیب و زناشویی‌های مسعود است» (آلگیری، ۱۳۸۹: ۱۱۵۵). بر این اساس می‌توان گفت که روشنی و زیبایی چهره زیبارویان از ماه است. همچنان که در قسمتی از بندهش و زاد اسپرم نیز آمده است که «امشاسپند امرداد، چهره‌ها را به روشنی ماه بیاراست» (عقیقی، ۱۳۸۳: ۶۱۹). این موضوع در ادبیات، هر کجا که سخن از چهره زیبا و مطلوب به میان بیاید، نمود پیدا می‌کند و همواره ماه مشبه به زیبارویان، قرار می‌گیرد و این امر نشانگر پیوستگی ادبیات و اسطوره می‌باشد. ماه همواره همتای معشوقان بوده و عاشقان با نظر به آن در واقع رخسار محبوب خود را در ماه مشاهده می‌کنند.

منظومه ویس و رامین یک داستان عاشقانه مربوط به دوران اشکانیان است. این منظومه حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره ایران پیش از اسلام و آداب و سنن زرتشتیان و نیز سرشار از اشارات اساطیری می‌باشد. یکی از زمینه‌های اسطوره‌ای به کار رفته در این داستان، استفاده از عنصر ماه برای وصف زیبارویان است و می‌توان گفت که این موضوع حجم زیادی از تشبیهات در این منظومه را به خود اختصاص داده است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

شبهات زن و ماه یکی از مضمون های رایج ادبیات، می تواند ما را به تأمل و تفکر در این امر وادارد که دلایل این شبهات چه می تواند باشد. از سویی، پی بردن به این مسأله که وقتی از عنصر ماه به عنوان مظهر زیبایی یاد می شود، چه منطقی در پشت این همانندی وجود دارد و از سویی دیگر، مطالعه در منظومه غنایی ویس و رامین و حجم بالایی از این کاربرد در این اثر، حس کنجکاوی و پژوهش در این موضوع را در آدمی ترغیب می کند. در ادبیات بیشتر تمدن ها ماه مظهر زیبایی شناخته می شود؛ هر چند چهره ماه دارای کَلَف (لکّه) است و بر خلاف تصور عامه، شاید زیاد هم زیبا نباشد. پس چه ارتباطی بین ماه و زن و گاهی حتی هستی انسان وجود دارد؟ آیا این پنداشت آدمی از ماه می تواند صبغه ای اساطیری در باور باستانی اش داشته باشد؟ چرا در متون ادبی و خصوصاً غنایی همه زیبارویان با ماه برابر دانسته شده اند؟ در این مقاله به بسط و گسترش ارتباط بین ماه و زن پرداخته می شود و شواهد این موضوع از یک منظومه غنایی ناب و اولیه ادب فارسی یعنی ویس و رامین می باشد.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از این پژوهش، پی بردن به این موضوع است که استفاده از ماه به عنوان مظهر زنان و زیبایی آنان چه محملی می تواند داشته باشد و آیا این موضوع آبخور اساطیری دارد یا نه؟ و با توجه به این که این موضوع در ادبیات ملل مختلف کاربرد دارد، پی بردن به علت این شبهات و همانندی، ضروری به نظر می رسد. شایان ذکر است که دلیل انتخاب منظومه ویس و رامین برای این موضوع، بسامد بالای ارتباط ماه و زن در این اثر می باشد.

۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می باشد. در این راستا، ابتدا اسطوره زن و ماه و ارتباط آن ها با همدیگر مورد بررسی قرار گرفته و سپس به تحلیل نمونه ها در منظومه ویس و رامین و ارتباط آن ها با موضوعات اساطیری پرداخته شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق در این پژوهش می توان این طور بیان کرد که در مورد اساطیر به طور کلی پژوهش های گسترده ای صورت گرفته است که به صورت کتاب منتشر شده اند. کتابی

با عنوان "ماه در ایران" نوشته مهرانگیز صمدی که به ابتدایی ترین صورت معتقدات بشری تا ظهور اسلام پرداخته، موجود است. مقاله ای تحت عنوان "نگاهی به رازهای ماه در ایران باستان" نوشته فریدون آورزمانی در دست است که ایشان عنصر ماه را بیشتر از منظر باستانشناسی و بررسی نقوش بر جای مانده از دوره های مختلف مورد کنکاش قرار داده اند. پایان نامه ای با عنوان "بررسی نماد ماه و خورشید در سفالینه های عیلام" توسط مریم السادات وزیریان از دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد (۱۳۹۲) موجود است که ایشان نمادهای ماه و خورشید را در نقوش سفالینه های برجای مانده مورد کاوش قرار داده اند. ولی تحقیقی به صورت مستقل در خصوص ارتباط ماه با زنان و زیبایی آنان صورت پذیرفته است. آن چه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می گیرد، جایگاه اساطیری ماه و زن و ارتباط آن با زیبارویان و دلیل شباهت آنان به ماه و نیز بازتاب این موضوع در منظومه ویس و رامین است.

۲- بحث و بررسی: ۱-۲- ماه در اساطیر

خدایان آسمانی همواره به صورت ستارگان متصور می شدند. از مهم ترین آنان، خورشید، ماه و زهره بودند که «به ترتیب در سومری و سامی اوتو و شمش، نانا و سین و اینین یا اینانا و ایشتر خوانده می شدند. خدای ماه که در میان این سه از همه مهم تر شمرده می شد، خداوند شب، ماه و تقویم قمری بود و فعالیت های او دقیقاً با زندگی انسان ارتباط داشت. خورشید و زهره فرزندان او بودند» (بهار، ۱۳۸۱: ۴۱۳). از میان قدیم ترین عناصر طبیعت که در میان اقوام بدوی پرستیده می شده، ماه است. حتی «به نظر پاره ای محققین، شاید ماه در زمره خدایانی باشد که مقام اولویت داشته است» (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۲). «در ایران باستان نیز مذاهب متعددی پدید آمده که قدیمی ترین آن ها پرستش بعضی از قوای طبیعت بوده است» (راشد محصل و حاجی پور، ۱۳۸۷: ۶۹). گفتنی است که از قوای طبیعت «در تمدن های اولیه ایران و عیلام ماه اولین خدایی بوده که ستایش می شده است» (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۰). در منابع متعددی از جمله در بندهش آمده که آفرینش ماه، قبل از خورشید صورت پذیرفته است. «هرمزد در میان آسمان و زمین، روشن را فراز آفرید؛ (نخست) ستارگان را؛ سپس، ماه و سپس، خورشید را بر آن گمارد (که) مایه ور ستارگان اند» (دادگی، ۱۳۸۰: ۴۳). این که چه زمانی خورشید برای حکومت آسمان جانشین ماه شد روشن نیست. به گفته ویل دورانت «شاید در آن هنگام رخ داد که عصر کشاورزی جانشین عصر شکار گردید و اهمیت تابش آفتاب در کاشت و برداشت محصولات کشاورزی معلوم شد. خدایان خورشید دوران های بعد

صورت های تغییر شکل یافته خدایان ماه هستند که زندگی و حاصلخیزی را باعث می شوند و در دوره هایی زندگی خود را دوباره آغاز می کنند» (دورانت، ۱۳۷۶: ۷۳). اهمیت ماه در ایران باستان تا بدان جاست که ماه نام یکی از ایزدان آیین مزدیسنی است. «در اوستا این نام به صورت ماونگهه و در پهلوی و فارسی ماه گفته می شود» (عفیفی، ۱۳۸۳: ۶۱۹). در بخش های اوستا از ماه سخن رفته و مورد ستایش قرار گرفته است. «یشت هفتم اوستا در ستایش این ایزد است. بر اساس این یشت، ماه مسکن امشاسپندان است. در نسخه پهلوی "ماه نیایش" آمده است که ماه از وجود بهمن ساخته شده و از ماه گوشورون پدید آمده است. او روان پرهیزکاران را به بهشت می برد. او به خوانندگان حاجت و نذرکنندگان یاری می رساند» (بهار، ۱۳۸۱: ۷۶). در منظومه ویس و رامین که یک داستان عاشقانه پارسی می باشد، ستایش ماه و خورشید و نیز سوگند خوردن به آن ها، دیده می شود و می توان گفت که این موضوع به تقدس ماه در این دوران برمی گردد. «پارتیان دارای پرستشگاه های ویژه ستایش به ماه بودند از جمله در حرّان و ادسا Edessa، اربل (اربیل) Arabela و همدان و در هاترا Hatra و امسا Emessa این پرستشگاه ها برپا بوده است. گرچه برخی از این پرستشگاه ها در قلمرو پارتیان نبود، معذک پارتیان همه ساله هدایا و قربانی هایی به آن جا می فرستادند» (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۲۵۷) و نیز «معبد الحضر به قصر آفتاب معروف بوده است. بر قسمتی از سر در معبد علاوه بر صورت خدای خورشید تصویری از صورت یک گاو و شاخ او عیناً هلال ماه نقش شده است. مجسمه کوچکی نیز بر کتیبه ای بالای طاق ایوان پرستشگاه خورشید در الحضر قرار داشته از جنس سنگ آهک که بالاتنه الهه ماه یا آناهیتا را بر روی هلال ماه نشان می دهد. نیم تنه دیگری از همین الهه ماه بر روی هلال ماه در الحضر پیدا شده است» (صمدی، ۱۳۸۳: ۴۲). در این داستان، شاه موبد (همسر ویس) از رامین (عاشق ویس) می خواهد که به مهر و ماه سوگند بخورد که دیگر با ویس، پیوندی نداشته باشد:

بخور با من به مهر و ماه سوگند که با ویست نباشد نیز پیوند

(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۲۲۰)

رامین نیز به ماه و مهر سوگند می خورد که دست از ویس بردارد:

به هر چیزی که آن بهتر ز گیهان به خاک پاک و ماه و مهر تابان

که من با او نجویم نیز پیوند به جز چونانک بپسندد خداوند

(همان: ۲۵۵)

ولی رامین به سوگند خود پایدار نیست و وقتی به دژ اشکفت دیوان که ویس در آن جا توسط شاه موبد، زندانی شده است، می رود به ماه و خورشید سوگند می خورد که دست از دیدار ویس برنمی دارد:

به یزدان جهان و ماه و خورشید بدان مینو کجا داریم امید
 کزین دز برنگردم تا بدانگاه که یابم سوی کام خویشتن راه
 (همان: ۱۸۳)

۲-۲- رمزهای ماه

یکی از جاذبه های ماه برای انسان های نخستین، تغییر شکل ماه بود که آن ها را به تفکر و چرایی درباره این اختر تابناک برمی انگیخت. ماه زمانی پُر و زمانی کاسته می شد و بالاخره برای مدتی ناپدید می گردید، چونان زندگی بشر که پس از تولد بزرگ و بالنده می شود، آن گاه در سرازیری کسر و نقصان می افتد و بالاخره با رسیدن مرگ از دیده ها ناپدید می گردد. اما در پس مرگ، رستاخیزی هست و چنین بود که حرکت ماه با سرنوشت انسان از ابتدا رقم خورد. اوقات سه گانه ماه یعنی ماه نو، ماه تمام یا بدر و ماه سی شبه، هر کدام، تجلی و بیانگر ایزدان ماه هستند. «پرمایه هنگامی است که ماه پُر است. در تمام متون اوستایی و پهلوی ماه به خصوص به هنگام بدر منشأ خیر و برکت بوده است. در اوستا پرمایه به صورت ماونگه و در تفسیر پهلوی پنجه دوم ذکر شده است. در یسنا فرشته ای که پاسداری پرمایه را به عهده دارد به همین نام آمده است» (عفیوی، ۱۳۸۳: ۴۶۸). در منظومه ویس و رامین نیز حالت های مختلف ماه دیده می شود. ویس به زیبایی ماه دو هفته دانسته شده است:

چو جامه چاک زد ماه دو هفته پدید آورد نسرين شکفته
 (اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۵۲)
 به شادی ویس را بُد شاه در بر چو رامین را دو هفته ماه در بر
 (همان: ۱۲۰)

حالت بدر ماه، زیباترین و نورانی ترین زمان ماه و منشأ خیر است. رامین به ویس می گوید:
 تو در زیبایی آن رخشنده ماهی کجا تاریکی و تیمار کاهی
 تو را داده است بخت آن روشنایی که زنگ از جان بدبختان زدایی
 (همان: ۱۱۸)

در اواخر داستان وقتی ویس، پیر می شود، شاعر فرتوتی او را به ماه رو به محاق تشبیه کرده است:

پس آنگه مرگ ناگاه از کمینگاه
بیامد در ربود آن کاسته ماه
(همان: ۳۷۸)

نوع هستی ماه، سرشار از حیات و قابلیت احیاء و تجدیدش، پایان ناپذیر است. ماه به عنوان معیار ضرباهنگ های جهان و منبع نیرو و تجدید حیات، همه اجسام و موجودات جاندار را می آفریند. «در یکی از اساطیر لیتیش ماه به خورشید می گوید: از چه مغروری؟ آیا به خاطر گرمایی که به عالم می بخشی؟ توان من بیش از این ها است، من باعث پیدایش موجودات و رشد آن ها هستم. جان می دهم و جان می ستانم» (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۳). ماه، همه مراتب هستی را مانند مجموعه ای به هم پیوسته کنار همدیگر قرار داده و به هم پیوند می دهد و همه هستی تابع ماه می شود. یکی از این توابع، آب است. «از کهن ترین ایام، بشر مشاهده کرده است که با تغییرات ماه، باران می بارد. و آب و باران غالباً بر حسب معیارهایی - یعنی تابع وزن و آهنگ تغییرات ماه- کم و زیاد و تقسیم می شوند» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۵). رمزپردازی واحدی، ماه و آب و باران و بارگیری زنان و جانوران و رستنی ها را به هم می پیوندد. مثلاً «حلزون شاخک هایش را می نمایاند و پنهان می دارد؛ حلزون بدین اعتبار، مجلای قداست ماه می شود و به صورت طلسم و تعویذ نیز درمی آید. منحنی حلزونی شکل که رمز قمریش در دوران یخبندان نیز شناخته بود، به منازل ماه تکیه دارد، اما همچنین دربرگیرنده شئون جنسی ناشی از همانندی فرج با صدف و نیز شامل شئون آب (ماه= صدف) و شئون باروری نیز است. مرواریدی که زن چون طلسم یا حرز دارد (به گردن می آویزد)، موجب همبستگی وی با فضایل آب (صدف)، و ماه (صدف)، رمز ماه است و از پرتو ماه آفریده شده است و غیره) و عشق و آمیزش جنسی و زاینده گی و جنین می شود» (همان: ۱۶۲). همانندی صدف و زن در منظومه ویس و رامین نیز آمده است. از جمله، آن جا که مادر به شاه موبد می گوید که همسری اختیار کند:

مگر کت زان صدف درّی بیاید
که شاهی را و شادی را بشاید
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۳۸)

هنگامی که شهرو، مادر ویس به شاه موبد قول می دهد که دختری (ویس) به دنیا آورد و او را به همسری شاه درآورد و شاه به او می گوید:

به من دادی نزاده دخترت را
هنوزت در صدف می بود لؤلؤ
به کان در دادیم این گوهرت را
که آمد نام زد بر نام من او
(همان: ۵۸)

هنگامی که شهر، باردار می شود:
به پیری بارور شد شهربانو
یکی لؤلؤ که چون نه مه بر آمد
تو گفתי در صدف افتاد لؤلؤ
ازو تابنده ماهی دیگر آمد
(همان: ۲۸)

ویس در نامه سوم (از ده نامه) به رامین می گوید:
به گاه وصلت ای خورشید کشور
صدف چون شد تهی از گوهر خویش
کنار من صدف بود و تو گوهر
نبیند نیز گوهر در بر خویش
(همان: ۲۶۸)

تمثیلاتی که ذهن بشر کهن برای ماه می آفریند، توسط رمزها، نمود پیدا می کنند؛ مثلاً بعضی جانوران، رمز یا در حکم حضور ماه می شوند، زیرا شکل یا نوع هستی شان، یادآور سرنوشت ماه است. از جمله موجوداتی که با ماه و نیز آب در ارتباط می باشند، مار است که رمز ماه، واقع می شود. «مار بدین جهت که پیدا و ناپیدا می شود و شماره حلقه هایش به تعداد شب هایی است که قرص ماه، اختر شب، رؤیت می شود» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۹). «افسانه ها و اساطیر بی شمار، از ماران و اژدهاهایی حکایت می کنند که ابرها را در حیطة ضبط و اختیار خود دارند، در آنگیرها به سر می برند و جهان را سیراب می سازند. پیوند میان مار و سرچشمه ها و آب های جاری، حتی در باورهای عامیانه اروپاییان نیز محفوظ مانده است» (همان: ۱۷۳). در بیت زیر ارتباط ماه با فلک و مار با آب دیده می شود:

اگر بی تو ببینم بر فلک ماه
به چشم ماه مار است و فلک چاه
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۲۰۱)

مناسبات میان زن و مار، دارای اشکال گوناگونی است. ماه قدرت جادوی به بعضی از آن ها می بخشد و به همین دلیل است که اغلب جادوگران زن می باشند. «در افسانه ای برتانیایی (Breton) گیسوان زنان جادوگر، به مار استحاله می یابند. بنابراین هر زنی صاحب این قدرت نیست، بلکه تنها زنی که زیر نفوذ ماه است و از جادوی دگرگون شدن و استحاله یابی بهره مند

است، دارای آن قدرت است» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۷۱). در غالب ادیان ابتدایی ماه قدرت جاودانی دارد. «جادوگران همواره از ماه کمک می گیرند نه از خورشید» (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۳). در اساطیر یونانی نیز «هکات Hecate یکی از سه جنبه وجودی ماه و الهه باروری است و در اعماق زمین مسکن دارد. هکات موجودی ترسناک و خدای جادوگران است و با ارواح ارتباط دارد. موجودی خشمگین است. تازیانه و مشعلی سوزان دارد و سگ های وحشی او را همراهی می کنند» (همان: ۱۴۳). در منظومه ویس و رامین نیز زلف زنان نماد جادو است. در بیت زیر رامین به ویس می گوید:

توی ویسه که ماه نیکوانی
به چشم و زلف شاه جادوانی
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۳۱۱)

وقتی رامین به واسطه وجود رقیب عشقی خود، شاه موبد (همسر پیر ویس) از وصل ویس ناامید می شود، به ناچار او را ترک کرده و به گوراب می رود. در آن جا عاشق دختری به نام گل می شود. ابیات زیر در وصف زلف گل است:

فروهمشته ز سر تا پای گیسوی
به بوی مشک و رنگ جان جادوی
دو زلفش خوانده نقش هر فسونی
گرفته تاب هر جیمی و نونی
(همان: ۲۳۸)

بسیاری از اسناد قوم شناختی تأیید می کنند که «جادوگری، مقام و منصبی است که غالباً از جانب ماه (مستقیماً یا به وساطت ماران)، تفویض شده است. مثلاً در نظر چینیان، مار منبع هرگونه قدرت جادویی است و واژه های مبین سحر و جادو در زبان های عبری و عربی، از واژه های دال بر مار مشتق شده است. مار بدین علت که قمری، یعنی جاوید است و زیرزمین زندگی می کند و از جمله مظاهر ارواح مردگان (که البته بسیارند!) محسوب می شود، به همه رازها و اسرار داناست و منبع حکمت است و پیشگو و غیب آموز است. هم چنین هر که از گوشت مار بخورد، زبان جانوران و خاصه نطق طیور را خواهد دانست» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۷۲)

در بیت زیر ویس خود را ماه جادوان می داند:

من آن ویسم که شاه نیکوانم
من آن ویسم که ماه جادوانم
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۲۶۲)

در بیت زیر، مراد از مار جادو دیوار دژ اشکفت دیوان می باشد که ویس در آن زندانی است.

رامین در وصف آن می گوید:

نترسیدی دلم زان مار جادو به فرّ کردگار و زور بازو
 برون آوردمی زو دلبرم را زمانه سجده کردی خنجرم را
 (اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۸۳)

در بیت زیر ارتباط مار با افسون دیده می شود. رامین در به دست آوردن دل ویس می گوید:
 برون آرند ماران را ز سوراخ به افسون ها کنندش رام و گستاخ
 (همان: ۹۱)

وقتی دایه می بیند که جادویش در شاه موید کارساز نیست، خطاب به ویس می گوید:
 هم اکنون ازدهایی تند بینی که با وی جادوی را کند بینی
 (همان: ۱۹۳)

با این که ماه منبع هرگونه قدرت جادویی می باشد؛ اما نکته جالب در این است که در اوستا (وندیداد، فرگرد ۲۱، بند ۱۷) آمده است که نور همین انوار آسمانی یعنی ماه و خورشید و ستارگان عامل مهمی در طرد ارواح پلید و جادوگری و هرزگی به حساب آمده است. «برآیید با خروش! دور راندن کخوژی (جادوگری) را، دور راندن آیهی (ارواح پلید) را، دور راندن جهی (زن روسپی) به جادویی خو گرفته را» (دوستخواه، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۸۳). یک باور اساطیری در ارتباط ماه با ازدها وجود دارد. «ماه به هنگام خسوف به کام ازدهای موهوم فلکی، تنین می رود. به این علت در هنگام گرفتن ماه بر بام خانه ها طشت می زده اند تا سبب رهایی آن شود» (مصفا، ۱۳۶۶: ۶۹۳). در منظومه ویس و رامین نیز ماه با ازدها ارتباط دارد. وقتی ویس از دست شاه موید، متواری می شود به اطرافیان خود می گوید که به مادرم مژده دهید که ماه از دست ازدها رسته شد:

همیدون مادرم را مژدگان خواه که رسته شد ز چنگ ازدها ماه
 (اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۳۱)

شایان ذکر است که ما در این قسمت به آن رمزهایی از ماه پرداختیم که محل شاهدهی از ویس و رامین برای آن ها وجود داشت.

۳-۲- ماه و زن

رابطه زن و ماه به صورت نمادین در آثار برجای مانده از تمدن های بشری دیده می شود. در این پیکره ها بر اندام باروری آن ها (شکم و سینه های برجسته) تأکید شده و این موضوع بازتابی از اعتقاد بنیادین پرستش طبیعت و باروری زن است.

در ایران باستان مانند هر جای دیگر، اولین پیکره‌ها نمونه‌های کوچک گلین از زنان که الهه‌های مادر بودند، یافت شدند. «از موضوعات جالبی که در حفاری‌های شوش به چشم می‌خورد نقش تعدادی زن برهنه ایستاده است که دستشان را به هم داده‌اند. از آن جا که دیگر نمادهای ماه نیز همراه ایشان به چشم می‌خورد رابطه زن و ماه در این دوران محقق می‌شود» (صمدی، ۱۳۸۳: ۲۲). وجود این آثار نشان از موقعیت خاص زن در تمدن‌های گذشته و دلالت بر تلقی انسان از جایگاه کیهانی نیروی مؤنث در نظام هستی می‌باشد و می‌توان نتیجه گرفت که در این دوران، زن مرکز ثقل جوامع بشری بوده است. «در پاره‌ای نظام‌های مذهبی، والد اصلی یا منشأ مادر بوده است. در واقع مادر والدی بلافصل‌تر از پدر است زیرا بچه را مادر به دنیا می‌آورد و نخستین تجربه هر نوزادی مادر است. اسطوره‌شناسی نوعی تصعید انگاره مادر است» (کمبل، ۱۳۷۷: ۲۵۱). همان‌طور که در قسمت ماه در اساطیر گفته شد، ماه منشأ پیدایش موجودات و رشد آن‌هاست. و به عنوان منبع نیرو و تجدید حیات، عمل می‌کند و این موضوع در ناخودآگاه قوم‌ها زن را با ماه پیوند می‌دهد. بشر نخستین از همان آغاز، ایزدان را به صورت مردان و زنانی تصور می‌کرده است. بر همین اساس، خورشید و ماه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. خورشید نور خود را مستقیم می‌تاباند، حال این که ماه، نور خورشید را می‌تاباند. بنابراین، یکی اصل فعال و دیگری اصل منفعل است. «مثلاً در ژاپن و همچنین در میان کوه‌نشینان ویتنام جنوبی، خورشید مؤنث است و ماه مذکر» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۲۰-۱۲۱). تضاد خورشید و ماه عموماً دو گانگی مذکر-مؤنث را شامل می‌شود. «ژاک سوستل به تأکید می‌نویسد که در آیین باستانی در تئوتیهوآکان مردان را برای خورشید و زنان را برای ماه قربانی می‌کردند» (همان: ۱۲۳). دو گانگی فعال-منفعل، مذکر-مؤنثی که برای خورشید و ماه انگاشته می‌شود، یک قانون مطلق نیست. مثلاً «در تمدن دامداران صحرائشین، خورشید مؤنث (مادر-خورشید) و پدر مذکر (پدر-ماه) است. این تقسیم‌بندی در اغلب اقوام ترکی-مغولی آسیای مرکزی دیده می‌شود» (همان: ۱۲۵). با این اوصاف در اکثر آیین‌ها، ماه، مظهر قدرت مادینه، مادر-الهه، ملکه آسمان و با خورشید مظهر قدرت نرینه دیده می‌شود. «نقش خورشید و ماه در کنار هم، مظهر ازدواج مقدس زمین و آسمان، شاه و ملکه، طلا و نقره و مانند آن‌هاست» (کوپر، ۱۳۹۲: ۳۵۷). در التفهیم نیز، چنین آمده است. «زحل و مریخ و آفتاب نر هستند و زهره و قمر ماده‌اند». (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۵۹)

در باور ایرانیان باستان نیز «خورشید و ماه زن و مردند و دلداده یکدیگر. لکه های چهره ماه اثر دست خورشید است که از روی حسادت دست گل آلود خود را بر صورت او کشید» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۵). در جشن هایی که برای ماه و خورشید برگزار می شود؛ «جشن ماه نو منحصرأ به زنان و جشن خورشید، فقط به مردان، اختصاص دارد. چون ماه در عین حال، "مادر و پناهگاه اشباح" نیز است، زنان برای بزرگداشت او، به خود گل و شیره نباتی مالیده، همچون اشباح و نور اختر شب، سفیدفام (مهتابی) می شوند» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۸). در منظومه ویس و رامین نیز ماه، مؤنث و خورشید، مذکر متصور شده است. بیت زیر در وصف شبی است که ماه و مهر کنار یکدیگر قرار دارند. مراد از ماه، ویس و از مهر، رامین است:

شبی تاریک بود و ماه با مهر
ز بیننده نهفته اختران چهر
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۴۹)

در بیت زیر نیز پیوستن و در کنار هم بودن ماه (ویس) و مهر (رامین) مطرح است:
به فال نیک رامین آمد از راه
همی پیوست خواهدمهر با ماه
در ابیات زیر، شاعر به زیبایی، نگاه کردن ویس از روزنه را به افتادن روشنایی ماه تشبیه کرده است.
و باز مراد از ماه، ویس و مراد از مهر، رامین می باشد:

پس آنکه ویس همچون ماه روشن
نشست آزرده بر سوراخ روزن
ز روزن روی رامین دید چون مهر
شکفته شد به جانش در گل مهر
(همان: ۳۱۰)

در بیت زیر، دایه، شاه موبد را خورشید و ویس را ماه می خواند:
تو بانو باش تا او شاه باشد
به هم با تو چو خور با ماه باشد
(همان: ۳۵۹)

علاوه بر این که مرد و زن توسط خورشید و ماه نمادگرایی می شوند، «مرد و زن به وسیله آسمان و زمین، سیم و زر، روز و شب و در کیمیاگری به عنوان گوگرد و سیماب نمادگرایی می شوند» (کوپر، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹).

در احکام نجومی هر کدام از سیارات به فلزی منسوب است. «در ارتباط با طلا به منزله خورشید؛ نقره، ماه؛ سرب، کیوان؛ قلع، مشتری؛ آهن، مریخ؛ سیماب، عطارد؛ مس یا مفرغ ونوس است» (همان:

۲۹۳). از آن جایی که نقره با ماه ارتباط دارد، به همین اعتبار زنان به نقره هم شبیه می شوند. «از بین فلزات، نقره به ماه تعلق دارد. شکل هندسی متعلق به ماه قطره باران بود و اگر ماه را به صورت انسان می نمایانند، نشانه آن به شکل زنی زیبا بوده است» (دادور، ۱۳۸۵: ۵۷) و انتساب خورشید به طلا از آن ماده ای مذکر ساخته است. «لاجورد و طلا ارزش های مؤنث و مذکر هستند». (شوالیه و گبران، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۴). در سنت یونان نیز طلا یادآور خورشید است و تمام نمادهای خورشیدی را دارا است. «حاصلخیزی - ثروت - استیلا، مرکز گرما - عشق - نعمت، کانون نور - دانش - تشعشع» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۲۱).

در ویس و رامین نیز مردان به طلا و زنان به نقره می مانند. در بیت زیر منظور از بر سیمین (بر ویس) و بر زرین (بر رامین) می باشد. جایی که رامین به ویس می گوید:

بر سیمینت بر زرین برم نه
کجا خود سیم و زر هر دو به هم به
(اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۶۷)

وقتی ویس و رامین به وصال هم می رسند:

به هم آمیخته شد زَرّ و گوهر
چو اندر هم سرشته مشک و عنبر
(همان: ۱۸۵)

وقتی شاه موبد، ویس را به خاطر دور نگهداشتن از رامین در قصر زندانی می کند، ویس به وسیله یک طناب از ایوان قصر به پشت بام می رود تا در باغ با رامین ملاقات کند:

فکند از پای کفش آن کوه سیمین
بدو بر رفت چون پرنده شاهین
(همان: ۲۰۸)

با توجه به ارتباط ماه و زن، ماه به عنوان ایزدبانوی مادر نیز شناخته می شود. مادر - الهه ها همیشه به ماه مربوط می شوند و همه الهه ها روزگاری الهه های ماه بوده اند. در رم باستان "دیانا" الهه ماه بود که دختری زیبا تصور می شد. «دیانا الهه ماه و جنگل ها و حیوانات و زنان است به هنگام وضع حمل. ربّه النوع شکار و ماه در نزد یونانیان و در ایران قدیم دیانا را با آناهیتا مطابقت می داده اند» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۱۳۵۰). در میتولوژی یونان «ماه، دختر "ژئوس" خدای خدایان و "لاتونا" (مادر "آپولن" و "ارتمیس") بود. "آپولن" (به یونانی فبوس) مظهر خورشید و "آرتمیس"

(به لاتینی دیانا) مظهر ماه بود» (آلیگیری، ۱۳۸۹: ۱۲۵۶). دیانای رومی همان آرتمیس یونانی است. «در تورید (شبه جزیره ای در شمال دریای سیاه) آرتمیس را می پرستیدند که سنگدل بود. همیشه بر ارابه ای که دو گاو وحشی آن را می کشیدند می نشست، در دستش مشعلی داشت و بر پیشانی‌ش هلال ماه می درخشید و بیگانگان را برای او قربانی می کردند» (اشمیت، ۱۳۸۳: ۱۳). سلنه نیز در نزد رومی ها، الهه ماه بود. «سلنه از زئوس دو دختر به دنیا آورد: یکی هرسه (شبنم) و دیگری پاندا. در دوره های بعدی که آرتمیس را با ماه پیوند دادند، سلنه از کانون توجه افسانه سرایان خارج شد». (گران و هیزل، ۱۳۸۴: ۳۲۶)

همان طور که گفته شد دیانای یونانی با آناهیتای ایرانی، ایزدبانوی آب ها مطابقت دارد. پیوستگی ماه و آب، ایزدبانوان را در میان اقوام مختلف به هم ارتباط می داده است. «وجوه اشتراکی که در اسطوره های ملل مختلف وجود دارد، طبیعی به نظر می رسد؛ چرا که برداشت همه انسان ها از پدیده های طبیعی، تقریباً یکسان بوده است» (بارانی و خانی سومار، ۱۳۹۲: ۸۹). بنابراین «اردویسور آناهیتا، الهه ایرانی آب ها، در آسمان، موقعیتی قمری داشت. "سین" خدای ماه بابلیان نیز ضابط آب ها بود». (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۵)

در اساطیر جهان، الهه های ماه نماد زیبایی بوده اند و این زیبایی را به نور ماه و خواص آن نسبت می داده اند و اخترشناسان برای ماه و نور آن صفاتی قائل بودند. «بوتی Buti مفسر معروف کمدی الهی، در این باره به نقل از "المبصر" اخترشناس عرب می نویسد: ماه کره ای سرد و مرطوب و مرموز است. گاهی در ما ایجاد خونگرمی و نشاط و آمادگی برای کار می کند و گاه حس خلوص و احتیاج به دعا و نیایش پدید می آورد. همیشه برانگیزاننده حس جمال پرستی و زیبایی دوستی است، ولی محرک استعداد سحر و جادو، علوم غریبه، اکتشافات و سیاحت های بری و بحری نیز است. از لحاظ احساساتی، ستاره خاص زنان نجیب و زناشویی های مسعود است» (آلیگیری، ۱۳۸۹: ۱۱۵۵). در اوستا، ماه روشنی بخش و فره بخشنده موجودات است. در ماه یشت از روشنی ماه که از آن به فر تعبیر شده، سخن رفته و خاطرنشان شده است که «امشاسپندان برمی خیزند. آن فر را فراهم می آورند و بر زمین آهوره آفرید پخش می کنند» (دوستخواه، ج ۱، ۱۳۷۵: ۳۲۶). در بندهش بزرگ نیز آمده است که ماه به موجودات نور و روشنایی می بخشد. «ماه در سه "پنجه" مبارک یعنی اندرماه، پرماه و گشفتگی نور و شادی به موجودات می بخشد» (صمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

ماه در منظومه ویس و رامین نیز فرّه بخش است. ویس با ماه راز و نیاز می کند و می گوید:
 به فرّ خویش ما را یآوری کن به نور خویش مارارهبری کن
 تو ماهی و نگارم نیز ماه است جهان بی رویتان بر من تباہ است
 (اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۲۱۰)

ویس زیبایی خود را از فروغ و روشنی ماه وام گرفته است. آن جا که رامین به ویس می گوید:
 سپاه جادوان از تو رمیده نگار چینیان از تو شمیمده
 دو هفته ماه پشت سجده برده فروغ خویش رویت را سپرده
 (همان: ۸۵)

بر این اساس می توان گفت که روشنی و زیبایی چهره زیبارویان از ماه است. همچنان که در قسمتی از بندهش و زاد اسپرم نیز آمده است که «امشاسپند امرداد، چهره های زیبارویان را به روشنی ماه بیاراست» (عفیفی، ۱۳۸۳: ۶۱۹). در باورهای عامیانه، ماه نه تنها زیبایی بخش و مشاطه زیبارویان است بلکه «به گل ها رنگ می دهد؛ بر مبنای این باور شاعران پارسی به ماه، صباغ و مشاطه گل ها نام داده اند» (مصفی، ۱۳۶۶: ۶۹۶). ماه از نظر زیبایی و دور از دسترس بودن، همواره همتای معشوقان بوده و عاشقان با نظر به آن در واقع رخسار محبوب خود را در ماه مشاهده می کنند. «با ماه آسمان فقط از دور می توان عشقبازی کرد و آن را نمی توان در آغوش کشید، امری است که تمام عشاق این اختر شبگرد آن را به تجربه دریافته اند و ماه را که برایشان چیزی دست نیافتنی بود و معشوقی را که فقط باید از دور به دیدارش قناعت کرد به ماه تشبیه می کنند» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶۵). «در ادبیات فارسی ماه بیشتر مظهر زیبایی و نمونه علو و بلندی است و در ارتباط با این مفاهیم است که کنایات و استعارات و ترکیبات متعددی از قلم خیال آفرین شعرای ایران تراوش کرده و به خصوص زیبایی زنان به ماه مانند شده است» (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۵). در متن مورد بحث نیز همزمان با تشبیه زیبارویان به ماه، صفات ماه نیز به آن ها منسوب شده است.

دگر ره شد به نزد ویس مه روی سخن در دل نگاریده ز ده روی
 مرو را دید چون ماه دو هفته میان عقده هجران گرفته
 (اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۱۰۲)

دایه، ویس را ماه دو هفته می خواند که روشنایی بخش ماهان (ماه آباد یا همدان) شده است:

همی گفت ای دو هفته ماه تابان بتان ماهان شده تو ماه ماهان
(همان: ۶۹)

اگر چه بود در پرده نهفته همی تابید چون ماه دو هفته
(همان: ۱۵۹)

فخرالدین اسعدگرگانی درباره شاه موبد و ویس در جاهای متعددی شاه و ماه را با هم آورده و
ضمن آوردن قافیه های آهنگین، ارتباط بین ویس و ماه را مکرر آورده است:

چو در مرو گزین شد شاه شاهان دلش خرم بروی ماه ماهان
(همان: ۱۴۴)

به باغ اندر نشست شاه شاهان به نزدیکش نشسته ماه ماهان
(همان: ۲۲۰)

ویس خود را از زیبایی، شاه و از دلربایی، ماه می داند. لذا به رامین می گوید:
منم از خوبرویی شاه شاهان چنان کز دلربایی ماه ماهان
(همان: ۳۳۳)

ویس از لحاظ زیبایی به طور همزمان هم به ماه و هم به خورشید تشبیه می شود. شاه موبد به
ویس می گوید:

ندارم بیش از این در مهرت امید اگرچه تو نبی جز ماه و خورشید
(همان: ۱۹۶)

همچنین در بیت زیر، دایه به ویس می گوید:
به روی از گل به موی از مشک نابی ستیز ماه و رشک آفتابی
(همان: ۱۲۶)

در ابیاتی ضمن این که ویس به ماه تشبیه شده بر آن برتری نیز یافته است و به عبارتی دیگر،
شاعر با این کار خود، تشبیه تفضیل پدید آورده است. وقتی ویس از دست شاه موبد، متواری می
شود، شهرو پیش شاه موبد در فراق ویس مویه می کند:

دریغا ویس من ماه سخن گوی دریغا ویس من ماه سمن بوی
(همان: ۲۰۱)

در بیت زیر، تشبیه تفضیل درباره گُل به کار رفته است:

به پیکر نغز چون ماه دو هفته به مه بر لاله و سوسن شکفته

(همان: ۲۹۷)

علاوه بر ویس، زنان درباری دیگر نیز ماه خوانده شده اند:

بیالینش نشسته ماهرویان زنان مهتران و نامجویان

(همان: ۲۵۷)

شبستان پر شد از انبوه ماهان هم ایوان پر شد از انبوه شاهان

(همان: ۲۴۳)

شهر و نیز ماه بانوان خوانده می شود. وقتی شاه موبد، شهر و را می بیند او را بر تخت شاهی می

نشانند:

بدید آن سیمتن سرو روان را بت خندان و ماه بانوان را

به تنهایی مرو را پیش خود خواند به سان ماه نو بر گاه بنشانند

(همان: ۲۵)

کاربرد واژه ماه و مناسبات آن برای زن در این منظومه از بسامد بالایی برخوردار بوده و بسیار چشمگیر است و برای دوری از اطاله کلام به آوردن چند نمونه بسنده شد. همان گونه که در اوایل این بحث ذکر شد، دو گانگی فعال- منفعلی که برای خورشید و ماه انگاشته می شود، یک قانون مطلق نیست. در این منظومه علاوه بر حفظ مذکر بودن برای خورشید و مؤنث بودن برای ماه، تنها در چند مورد این رابطه عکس می شود که از بسامد بسیار پایینی برخوردار است و بیشتر تکیه بر زیبایی دارد تا جنبه های دیگر اساطیری. ویس در نظر شاه موبد، به خورشید می ماند:

اگر ویسه نه ویست آفتابست چومینونیک بختان را ثوابست

نیرزد جور او چندین کشیدن ز مهرش این همه تیمار دیدن

(همان: ۲۱۲)

ویس در نامه دهم خود (ده نامه) به رامین، او را ماه خطاب می کند:

درو از من بدان ماه دو هفته که دارد ماهِ بختِ من گرفته

(همان: ۲۸۴)

ویس در نامه دهم خود، رامین را مهوش رخسار و ماه سمن بوی می خواند. هر چند در این نامه او را خورشید تابان نیز خطاب کرده است:

دروود از من بدان خورشید تابان
که دارد حسن بر خورشید گیهان
(همان: ۲۸۵)

۳- نتیجه

ماه به عنوان معیار ضرباهنگ های جهان و منبع نیرو و تجدید حیات، همه اجسام و موجودات جاندار را می آفریند و این موضوع در ناخودآگاه قوم ها زن را با ماه پیوند می دهد و به همین اعتبار در اکثر آیین ها ماه، مظهر قدرت مادینه و الهه آسمان است. در اساطیر جهان، الهه های ماه نماد زیبایی بوده اند و این زیبایی را به نور ماه و خواص آن نسبت می داده اند. در اوستا، ماه روشنی بخش و فره بخشنده موجودات است. در ماه یشت از روشنی ماه که از آن به فر تعبیر شده، سخن رفته و خاطر نشان شده است که امشاسپندان آن فر را فراهم می آورند و بر زمین آهوره آفرید پخش می کنند. بر این اساس می توان گفت که روشنی و زیبایی چهره زیبارویان از ماه است. شاعر با وقوف بر این امور، جنبه های اساطیری ارتباط ماه و زن را به طرز زیبایی به تصویر کشیده است و با توجه به حجم زیاد این تشبیهات، می توان آن را جزو ویژگی های منظومه ویس و رامین به حساب آورد. علاوه بر این که به طور کلی ارتباط اساطیری ماه و زن به عنوان نتیجه قابل طرح می باشد، با این حال، نتایج فرعی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- در این منظومه شواهدی که برای ارتباط بین ماه و زن به کار رفته اند، ۱۹۰ بیت است.
- ۲- ویس که معشوق و پرو، شاه موبد و رامین واقع می شود، زیبایی خیره کننده ای دارد و در ۱۵۶ بیت از زیبایی ویس و ارتباط او با ماه سخن رفته و تنها ۳۴ بیت درباره ماه و زیبارویان دیگر است.
- ۳- ویس به لحاظ خوبرو بودن در هفت بیت به طور همزمان هم به ماه و هم به خورشید مانند شده است.
- ۴- مردان نیز به خورشید تشبیه شده اند که ۲۳ بیت از این منظومه به این موضوع، اختصاص یافته است که دو مورد از آن ابیات به شاه موبد، یک مورد به پرو و سه مورد به جمشید (پسر رامین) و بقیه به رامین اشاره دارد.

۵- شایان ذکر است که ارتباط بین ماه و زن، امروزه نیز در زندگی مردم ساری و جاری است و هر شاهد و زیبارویی به ماه می ماند و این موضوع به پیوستگی اساطیر با زندگی بشری برمی گردد و انسان ها در طول تاریخ زندگی خود، اساطیر مربوط به فرهنگ خود را داشته و خواهند داشت. این مختصر، می تواند راهگشای پژوهشی دیگر در راستای بازتاب بسیاری از موضوعات اساطیری در این منظومه ارزشمند باشد.

منابع

- ۱- آلیگیری، داتنه، **کمدی الهی**، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- ۲- اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: بنگاه نشر اندیشه، ۱۳۳۷.
- ۳- اشمیت، ژوئل، **فرهنگ اساطیر یونان و روم**، چاپ اول، ترجمه شهلا برادران، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳.
- ۴- الیاده، میرچا، **رساله در تاریخ ادیان**، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر سروش، ۱۳۷۲.
- ۵- بارانی، محمد. احسان خانی سومار، **بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند**، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۲۶-۷، دانشگاه سیستان بلوچستان: پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- ۶- بهار، مهرداد، **پژوهشی در اساطیر ایران**، چاپ چهارم، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۱.
- ۷- بیرونی، ابوریحان محمد، **التفهیم لاوائل صناعة التنجیم**، تعلیقات جلال الدین همایی، تهران: نشر بابک، ۱۳۶۲.
- ۸- خدادادیان، اردشیر، **اشکانیان**، چاپ اول، تهران: نشر به دید، ۱۳۸۰.
- ۹- دادگی، فرنیخ، **بندهش**، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۸۰.
- ۱۰- دادور، ابوالقاسم. الهام، منصوری، **درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۵.
- ۱۱- دورانت، ویل، **تاریخ تمدن**، جلد اول، چاپ پنجم، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

- ۱۲- دوستخواه، جلیل، **اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی**، جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران: نشر مروارید، ۱۳۷۵.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۴- راشد محصل، محمد رضا. **فهیمة حاجی پور، شعر خاقانی و جلوه اسطوره خورشید در آن**، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۸۶-۶۷، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، **از کوچه رندان**، چاپ دهم، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- ۱۶- شوالیه، ژان. آلن، **گربران، فرهنگ نمادها**، جلد اول و دوم، ترجمه سودابه فضایی، تهران: نشر جیحون، ۱۳۷۸.
- ۱۷- شوالیه، ژان. آلن، **گربران، فرهنگ نمادها**، جلد سوم و چهارم، ترجمه سودابه فضایی، تهران: نشر جیحون، ۱۳۸۲.
- ۱۸- صمدی، مهرانگیز، **ماه در ایران (از قدیمی ترین ایام تا ظهور اسلام)**، چاپ دوم، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۱۹- عفیفی، رحیم، **اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی**، چاپ اول، تهران: نشر توس، ۱۳۷۴.
- ۲۰- کمبل، جوزف، **قدرت اسطوره**، چاپ اول، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- ۲۱- کوپر، جی سی، **فرهنگ نمادهای آیینی**، چاپ اول، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۲.
- ۲۲- گران، مایکل. جان، هیزل، **فرهنگ اساطیر کلاسیک (یونان و روم)**، چاپ اول، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۴.
- ۲۳- مصفی، ابوالفضل، **فرهنگ اصطلاحات نجومی**، تهران: نشر مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ۲۴- یاحقی، محمدجعفر، **فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی**، چاپ اول، تهران: نشر سروش، ۱۳۶۹.